

گفت‌وگو با محمد سریر؛ رئیس هیات مدیره خانه موسیقی

نیازی به مقابله نیست

– اهداف و سیاست‌های جدید خانه موسیقی چیست؟ با توجه به اینکه انتخابات جدید هیات‌مدیره خانه موسیقی اخیراً برگزار شد، آیا می‌توان انتظار تغییرات عمده‌ای را در سیاست‌گذاری‌های خانه موسیقی داشت؟

به طور کلی سیاست‌های خانه موسیقی بر اساس اهدافی تعیین می‌شود که در اساسنامه خانه ذکر شده است. به عبارت دیگر اهداف کلی از قبل در اساسنامه خانه موسیقی آورده شده است. بر اساس همین اهداف و سیاست‌ها و البته طبق شرایطی که در هر دوره از هیات‌مدیره وجود دارد، ممکن است سیاست‌ها هم تغییر کند. در واقع همیشه بر اساس شرایط موجود برخی اهداف قوی‌تر پیگیری می‌شوند و برخی دیگر از سیاست‌ها و اهداف با قوت کمتر. یعنی آن اهدافی که با قوت کمتری پیگیری می‌شوند در شرایط مناسبی برای پیگیری نیستند. به طور کلی هم چارچوب نگاه خانه موسیقی در محدوده مواردی است که در اساسنامه وجود دارد. با توجه به توضیحاتی که دادم، طبیعی است که همه اهدافی که در اساسنامه آمده در شرایط مناسب پیگیری می‌شوند و خواهند شد. **– یعنی شاهد تغییرات عمده‌ای نخواهیم بود؟**

با توجه به اعتمادی که مجمع عمومی به هیات‌مدیره پیشین داشته و دارد، از هفت عضو که در انتخابات اخیر هیات‌مدیره انتخاب شده‌اند، شش عضو از اعضای هیات‌مدیره سابق هستند. پس طبیعی است که پیگیری سیاست‌های دوره قبلی، در همین دوره نیز مورد تأیید ما خواهد بود.

– برخی‌ها این انتقاد را متوجه خانه موسیقی می‌دانند که با تغییر افراد در هیات‌مدیره، سیاست‌های کلی به‌کلی عوض می‌شوند. برخی مدیران اهداف اقتصادی را دنبال می‌کنند و برخی دیگر...

ببینید به هر حال همه آن نکات و نگاه‌ها که در دوره‌های مختلف هیات‌مدیره خانه موسیقی مطرح می‌شود، در اساسنامه مطرح شده است و خارج از آن هم نیست اما ممکن است با توجه به سلیقه‌های مختلف، در هر دوره به بخش‌های ویژه منطبق با همان سلیقه توجه بیشتری شود. و این مورد باز هم به شرایط بستگی دارد یعنی ممکن است در شرایط مختلف برخی اهداف راحت‌تر پیگیری شوند. به طور کلی نگاه عمومی هیات‌های مدیره خانه موسیقی در دوره‌های مختلف بر تمامی اهداف مندرج در اساسنامه متمرکز بوده است اما بسته به شرایط، برخی پیگیری می‌شده، برخی نه.

– اگر ممکن است شفاف‌تر توضیح دهید. مثلاً کدام هدف در چه شرایطی پیگیری نشده است؟

مثلاً در اهداف ما، انتشار نشریه یا مجله هم وجود داشته است اما همواره کمبود امکانات مادی هم مطرح بوده است. به خاطر همین ما موضوع «نشر» را به سایت خانه موسیقی منتقل کردیم. این هدف اکنون در سایت دارد پیگیری می‌شود.

– خود خانه هم اعلام کرده تاکنون خبری مبنی بر کمبود منابع مالی خانه موسیقی منتشر نشده اما شما هم می‌گویید خانه موسیقی به خاطر کمبود منابع مالی انتشار مجله چاپی را روی سایت منتقل کرده است. آیا این دو گزاره تناقض ندارند؟

ببینید، حسن اداره و مدیریت یک مجموعه مقوله‌ای بسیار مهم است. یعنی مهم است که کسی که در راس قرار گرفته بتواند با توجه به امکاناتی که در اختیار دارد، مسئله را مدیریت کند. در نهادهای مدنی و مستقل مثل خانه موسیقی نیز بسیار مهم است که مدیریت اشکال ناتوانی را بروز ندهد و بتواند اهداف را پیگیری کند. با توجه به این موضوع تاکنون، هیات‌مدیره‌های مختلف خانه موسیقی توانسته‌اند مجموعه را به خوبی مدیریت کنند. البته این را هم در نظر داشته باشیم که مالی بسیاری تاکنون وجود داشته است. اگر مدیریت خوب وجود داشته باشد، به‌رغم تمامی موانع باید منابع از قبل پیش‌بینی شده باشند تا در میانه راه مشکلی پیش نیاید. در خانه موسیقی هم خوشبختانه منابع مالی از قبل در نظر گرفته شده است.

– این روزها انتقاد دیگری هم درباره خانه موسیقی مطرح می‌شود. برخی‌ها معتقدند کانون‌های متعددی در خانه موسیقی وجود دارد که عملاً نقش موثر و فعالی در خانه ایفا نمی‌کنند. مثلاً کانون پزشکان را مثال می‌زنند.

کانون پزشکان دهمین کانون خانه موسیقی است که اعضایش به طور افتخاری فعالیت می‌کنند. این کانون حتی در انتخابات هیات‌مدیره حق رای هم ندارد. یعنی در مجمع هم شرکت نمی‌کنند. یکی از کانون‌هایی است که صرفاً نقش حمایتی ایفا می‌کند و وجه حمایتی و معنوی دارد. اعضای این کانون هم عبارت

شرق: مجمع عمومی عادی سالانه خانه موسیقی با انتخاب اعضای هیات‌مدیره و بازرس، سوم بهمن به کار خود پایان داد. از مجموع ۲۷ رای ریخته‌شده توسط نمایندگان ۹ کانون خانه موسیقی به صندوق، به ترتیب، دکتر محمد سریر (نامزدشده از هیات‌مدیره کانون مدرسان) با ۲۳ رای، داود گنجهای (نامزدشده از هیات‌مدیره کانون مدرسان)، تقی ضرابی (نامزدشده از هیات‌مدیره کانون آهنگسازان)، حمیدرضا نوربخش (نامزدشده از هیات‌مدیره کانون خوانندگان سنتی) با ۲۱ رای، نصرالله ناصح‌پور (نامزدشده از هیات‌مدیره



– اخیراً یکی از منتقدان در یادداشتی به این نکته اشاره کرده که از ۹ کانونی که در خانه موسیقی وجود دارد، نزدیک به ۵۰ درصد، نماینده‌ای در هیات‌مدیره ندارند و این موضوع را نشانه ضعف دانسته‌اند. نظر شما چیست؟

به هر حال وقتی می‌گوییم یک مجموعه در شرایط دموکراتیک اداره می‌شود، باید همه شرایط دموکراسی را هم پذیرا باشیم. یعنی مجموعه شرایط موجود را باید پذیرفت. اکنون حدود ۴۵۰۰ نفر در کانون نوازندگان عضو هستند. حال این کانون را با کانون دیگری مقایسه کنید که مجموعاً هزار نفر عضو بیشتر ندارد. خب در قیاس این‌دو کاملاً معلوم است که نماینده یکی نسبت به دیگری میان اعضای هیات‌مدیره حضور بیشتری داشته باشد. خب با توجه به این شرایط طبیعی است که نمایندگان یکی دو کانون نتوانند در میان اعضای هیات‌مدیره قرار بگیرند. اما این را هم مد نظر داشته باشیم که هیات‌مدیره در کل نماینده تمام کانون‌هاست. معنای این حرف هم این است که هیات‌مدیره موظف است از همه کانون‌ها حمایت کند و منافع عمومی خانه را در نظر بگیرد. این نوع اعتراض‌ها هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. خب برخی افراد درکی از شرایط کار و فعالیت صنفی ندارند. در مقابل نیز برخی افراد همیشه آماده فعالیت صنفی هستند. میان این دو گروه همواره اختلاف‌نظر وجود داشته است. از سوی دیگر طبق اساسنامه هیچ محدودیتی برای تکرار دوره‌ها و افراد وجود ندارد و پیش‌بینی نشده است. و این منطقی است. چون اعضا برای کار کردن پول نمی‌گیرند و کاملاً داوطلبانه فعالیت می‌کنند. اما از آنجا که رویه فعالیت صنفی بسیار محدود شده، بسیاری از اعضا فقط معترض هستند و فعالیت موثر ندارند و صرفاً اظهارنظر می‌کنند و اعتراض‌ا می‌تواند برای خودشان رای جمع‌آوری صورت گیرد. انتخابات مجمع عمومی یعنی شرایط دموکراتیک انتخاب. در این مکانیسم همه می‌توانند از هر کانونی حضور داشته باشند و هر کس هم می‌تواند برای خودش رای جمع‌آوری کند. بنابراین می‌توان گفت اعتراض در این مورد بی‌معنی است.

نکته

در نهادهای مدنی و مستقل مثل خانه موسیقی نیز بسیار مهم است که مدیریت اشکال ناتوانی را بروز ندهد و بتواند اهداف را پیگیری کند. با توجه به این موضوع تاکنون، هیات‌مدیره‌های مختلف خانه موسیقی توانسته‌اند مجموعه را به خوبی مدیریت کنند. البته این را هم در نظر داشته باشیم که مالی بسیاری تاکنون وجود داشته است. اگر مدیریت خوب وجود داشته باشد، به‌رغم تمامی موانع باید منابع از قبل پیش‌بینی شده باشند تا در میانه راه مشکلی پیش نیاید. در خانه موسیقی هم خوشبختانه منابع مالی از قبل در نظر گرفته شده است.

سال پنجم ■ شماره ۱۱۷۴ ■ دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۸۹ ■ موسیقی ۱۱

کانون خوانندگان سنتی) با ۲۰ رای، داریوش پیرنیakan (نامزدشده از کانون نوازندگان ایرانی) با ۱۹ رای و زیدالله طلوعی (نامزدشده از کانون نوازندگان ایرانی) با ۱۴ رای به عنوان اعضای اصلی هیات‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند. احمد صدری از کانون پژوهشگران با ۱۳ رای و رحیم بقایی از کانون صدابرداران با ۱۰ رای به عنوان اعضای علی‌البدل هیات‌مدیره انتخاب شدند. به بهانه برگزاری دور جدید انتخابات هیات‌مدیره خانه موسیقی با محمد سریر رئیس هیات‌مدیره خانه موسیقی گفت‌وگو کردیم.



در این حوزه گسترده کنیم تا مسیرها را برای نیل به اهداف باز کنیم. در این صورت است که راحت‌تر می‌توانیم به خواسته‌هایمان برسیم. البته این لایه‌ها طبیعتاً در محدوده همان خطوطی است که پیش‌تر ذکر کردم.

– جناب سریر می‌توانید برای این موضوعی که ذکر کردید مصداق عینی هم بیاورید؟ مثلاً در چه بخشی از حوزه موسیقی این لایه‌ها صورت گرفته یا می‌گیرد؟

مثلاً در بخش دآوری جشنواره موسیقی فجر که در آینده‌ای نزدیک برگزار خواهد شد، موسیقیدان‌هایی که از اعضای برجسته خانه موسیقی هستند، می‌توانند نظر خود را اعمال کنند. البته این موضوع هم نامحدود نیست. یعنی در بخش‌هایی صورت می‌گیرد. اما در کل تأثیرگذاری خانه موسیقی باید طوری باشد که قدم به قدم صورت بگیرد و از روش مفاهمه به دور نباشد. با روش مفاهمه که قدم به قدم و پیوسته است می‌توان دامنه تأثیرگذاری را روز به روز بیشتر کرد. اگر به ۱۰ سال پیش‌تر بنگریم، اگرچه زمانی طولانی نیست و نگاه‌ها رویکردهای رسمی نیز در این ۱۰ سال همواره ابهام داشته است، مشاهده می‌کنیم که چقدر پیشرفت داشته‌ایم و چقدر مسیرها بازتر شده است. به عبارت دیگر باید بدانیم وقتی مسیرهای مفاهمه باز است و با این همه حساسیت می‌توان از همین مسیر وارد مذاکره شد، چه نیازی به مقابله است. معتمد همواره باید در مسیر مفاهمه قدم برداشت. مثالی دیگر بزنم. در بخش سیاست‌گذاری اصلی جشنواره موسیقی فجر از نظر خانه موسیقی هم استفاده شده است. مثلاً اینکه چه رشته‌هایی چگونه در جشنواره حضور داشته باشند یا نظر خانه موسیقی صورت گرفته است. ما در حوزه جشنواره موسیقی فجر به ویژه در بخش موسیقی پاپ نظر خاص خودمان را داشته و داریم.

– نظر خانه موسیقی درباره حذف موسیقی پاپ از جشنواره چه بود؟
خانه موسیقی معتقد است که فعلاً شرایط لازم برای حضور موسیقی پاپ در بخش رقابتی جشنواره وجود ندارد. به همین ترتیب نظر مشورتی خود را ارائه دادیم و گفتیم موسیقی پاپ فعلاً در بخش غیررقابتی حضور داشته باشد. **– فکر می‌کنید چرا موسیقی پاپ با این همه گستردگی نباید در بخش رقابتی حضور داشته باشد؟ آیا بحث کیفیت کار در این نظر دخیل بوده است؟**

تمیز و تشخیص کیفیت کار در بخش دآوری این حوزه موسیقی بسیار دشوار است. در این حوزه باید حداقل‌های کیفی کار در چارچوب‌های موسیقی خوب اعمال شده باشد. این موضوع البته همیشه مورد بحث بوده است. و این پرسش و پاسخ و ابهام همواره ادامه دارد. ما هم موضوع خودمان را همیشه حفظ کرده‌ایم. **– ممکن است کمی بیشتر درباره دشواری‌های دآوری در حوزه موسیقی پاپ توضیح دهید؟**
ببینید اعمال دآوری دقیق در موسیقی پاپ به ویژه وقتی در بخش رقابتی یک جشنواره حضور دارد، بسیار بسیار دشوار است. به این معنا که این موسیقی از گستردگی بسیار زیادی

امیر بهاری
درباره بادی گای، سلطان باقیمانده از مکتب شیکاگو
جوان هفتاد و چهار ساله

از سلاطین بلوز هنوز تعدادی زنده‌اند؛ آنان که زیربنای شکوفایی موسیقی معاصر غرب در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بودند ولی از وجه اقتصادی این شکوفایی کمتر بهره بردند. اغلب آنها کارگرانی بودند که شب‌ها یا در کافه‌های ارزان قیمت محله‌های پایین‌شهر شیکاگو می‌نواختند یا بعد از یک روز کاری سخت هم‌صنفان‌شان را سرگرم می‌کردند. آنها اما یک نکته را هم خوب می‌دانستند؛ چیزی را که می‌توانند کسی نمی‌تواند بنوازد.

یکی از عالیجنابان که این ستون را با او آغاز می‌کنیم، بادی گای را در ایران بیشتر با مستندنی که مارتین اسکورسزینی از کنسرت گروه رولینگ استونز ساخته است، می‌شناسند؛ «توری بیفروز»، فیلم- کنسرت اجرایی از تور بیگر بنگ در نیویورک پیرمردی که در این فیلم کت و شلوار به تن دارد و کلاه گیتارش سیاه با خال‌های بزرگ سفید است، بادی گای است. این سیاهی با خال‌خال‌های سفید یا سفیدی با خال‌خال‌های سیاه بخشی از نماد گای است که در لباسش نمود می‌یابد یا در گیتارش. بعضی وقت‌ها هم در افکت گیتارش. اما در کنسرت معروف کراس رود گیتار اریک کلیتون می‌توان بادی گای را شناخت. اریک کلیتون، جیمی ون و بادی گای در حال همراهی بی‌بی کینگ هستند که قطعه مشهور اک می ببی را می‌خواند. در بخشی از اجرا کینگ به بادی گای نگاهی می‌اندازد و می‌گوید: «بنارید ببینم می‌تونم مثل مادی واترز بخونم یا نه.» و بعد با لهجه شیکاگویی مادی واترز یک بیت از این ترانه را می‌خواند (کینگ متعلق به جریان دیگری از موسیقی بلوز است) و در ادامه حین خواندن ترانه می‌گوید: «بادی می‌تونه این کارو بکنه.» شوخی کینگ اشاره به این دارد که بادی گای بازمانده‌ای از دوران شکل‌گیری مکتب شیکاگو بلوز است (البته این شوخی اشاره به رابطه صمیمی و علاقه بادی به واترز هم دارد)؛ مکتبی که چهره سرآمد آن مادی واترز بود.

بله گای بلوزنواز کم‌حرف و بی‌حاشیه مکتب شیکاگو است. او در کنار چهره‌هایی همچون جونیر ولز، هاوِلین وولف، جیمی راجرز، لیتل والتر، هربرت سام لین، اتا جیمز و... مکتب شیکاگو را به اوج رساندند؛ مکتبی که بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری موسیقی راک داشت. و بی‌دلیل نیست که گروه‌های انگلیسی راک در دهه ۱۹۶۰ مادی واترز را بسیار دوست داشتند. نکته مهمی در بحث موسیقی بلوز و به ویژه مکتب شیکاگو وجود دارد؛ دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ همان دورانی است که موسیقی به مفهوم پاپ نزدیک شده و به عنوان یک تجارت بزرگ مطرح می‌شود. در واقع موسیقی ساده و پاپیولار دارد به تدریج از مرزها فراتر می‌رود. و وقتی ما از بلوزنواران آن دوره و تأثیر آنها بر چهره‌های موسیقی راک اند رول (به عنوان اولین جنبش بزرگ موسیقی پاپ) و موسیقی راک حرف می‌زنیم، نشان از اهمیت آنها در شکل‌گیری موسیقی پاپی دارد که امروز به وسیله رسانه‌های جهانی به همه هر کسی می‌تواند راه پیدا کند. بادی گای یکی از این چهره‌ها بود که تأثیر بسزایی بر این جریان داشت.

بیل دال مورخ شناخته‌شده موسیقی بلوز در سایت اینترنتی دایره‌المعارف «آل میوزیک» گای را این‌گونه معرفی می‌کند: «او امروز پادشاه شیکاگو بلوز است؛ فرمانروای قلمرو خویش، درست مثل مادی واترز؛ مراد و معلمش پیش از اینکه بمیرد. با همه این زمان‌هایی بود؛ زمان‌هایی نه‌چندان دور که گای برای مذاکره درباره تولید یک آلبوم آبرومند دچار مشکل بود؛ مشکلی که بعد از سه آلبوم اول دهه ۹۰ تا حدودی حل شد...»

گای ۷۴ساله امروز در کنار هربرت سام لین و اتا جیمز بازماندگان مکتب شیکاگو بلوز هستند هر چند بی‌شک اهمیت گای در موسیقی امروز از آن دو بیشتر است. گای ۷۴ساله است و تازه‌ترین آلبوم استودیویی‌اش (Living Proof) که چند هفته پیش منتشر شد با قطعه‌ای به نام «جوان هفتادو چهار ساله» آغاز می‌شود؛ فریادهای او اصلاً نشانه‌ای از پیری گای ندارد و تکنیک‌های پیچیده بداهه‌نوازی‌هایش هم همچنان نشان از مردی قیراق و سرحال دارند. شیکاگویی‌ها به‌رغم اینکه پیرو یک مکتب بودند هرکدام در آوازخوانی یک ویژگی منحصر به



فرد داشتند. مثلاً هاوِلین وولف روزه‌هایی (مثل روزه‌های گِرج) به آوازش اضافه می‌کرد. گای از همه عصیان‌زده‌تر آواز می‌خواند. تحریرهای جیغ‌مانند او نزدیکی خاصی با صدای تیر گیتارش دارد. گای به‌رغم شیوه اجرایی خاصش که بر راک استارهای عاصی دهه ۱۹۶۰ بسیار تأثیر گذاشت خودش کم‌حرف و منزوی بود و شاید به‌خاطر همین بیل دال به این نکته اشاره می‌کند که او اغلب اوقات برای پیدا کردن یک تهیه‌کننده مشکل داشته است. گای در شهری حاشیه‌ای در ایالت لوئیزیانا به دنیا آمد. از جوانی به موسیقی علاقه‌مند بود و در همان جا فعالیت خود را آغاز کرد اما وقتی مثل اغلب بلوزنوارها به شیکاگو مهاجرت کرد نگاه او به موسیقی متحول شد. او در سال ۱۹۵۷ با مادی واترز آشنا شد؛ زمانی که سفیدپوستان با لیدری به نام الویس، راک اند رول را به جهان عرضه کرده بودند و موسیقی‌شان سرتاسر جهان را قلمرو خود کرده بود. راک اند رولی که بسیاری از سیاهان آن را بلوزی سطحی می‌دانستند. بلوزی که اشعارش ساده‌تر و مودب‌تر شده بود و ریتم نوازندگی در آن تندتر (در واقع شادتر). اما واترز پیش از اینها نطفه موسیقی راک اند رول را به وجود آورده بود. او بی‌شک پدر راک است. گای از شفت‌هاها از آمریکا به انگلیس رفت و برای اکرهای نسلی که بلوز را بیش از راک اند رول دوست داشتند، به اجرای موسیقی پرداختند. نسلی که بعد از افول راک اند رول آمریکایی از انگلیس برخاستند و ایالات متحده را هم فتح کردند. آنها بلوزنواران را دوست داشتند و حتی بسیاری از قطعات آلبوم‌های اول‌شان بازخوانی آثار این بلوزنواران شیکاگویی بود. در همان دوران گای به دعوت اریک کلیتون ۳ساله در کنسرتی از گروه «یاردبردز» شرکت کرد. این آغاز شهرت جهانی گای بود. این اتفاق برای گای عجیب بود چراکه بسیاری از تکنیک‌هایی که او در دهه ۱۹۵۰ ابداع کرده بود و حتی بسیاری از کارهای نمایش‌اش توسط به قول خودش بچه‌های کم‌سن و سال استفاده می‌شد و آنها سوپرستار شده و حسابی پول درمی‌آوردند در صورتی که این امکان برای گای به هیچ وجه فراهم نبود. با این همه گای آهسته و پیوسته به مسیرش ادامه داد. و امروز همچنان به عنوان نوازنده و خواننده‌ای با تکنیک مطرح است و آلبوم‌هایش همچنان مسیری صعودی دارند و حتی به بلاتکلیف بهتر شده‌اند. گای امروز هفتاد و چهار ساله است و ظاهراً دوست ندارد کسی او را یک پیرمرد شیکاگویی بداند.